

نا امیدی...

اغلب ما نا امید شدن را بد می‌دانیم. امیدوار بودن به آینده انگیزه حرکت به سمت آینده است. امیدواری نباشد، انگیزه حرکت نخواهد بود، و حرکت انسان به سمت آینده بهتر، کند یا متوقف خواهد شد. خمودگی، بی‌تفاوتی، لحظه‌نگری، ژولیدگی ظاهری و باطنی... اینهاست عوارض نا امیدی.

ولی نا امید شدن جنبه‌های مثبت نیز دارد: ایستادن و فکر کردن به چرایی نبود امید؛ مکث کردن و نگریستن به خود و توانایی‌ها و ضعف‌هایی که داریم، دور شدن از خوشخیالی‌های مثبت‌نگرانه و فریبنده، از جامعه‌کندن و با خود بودن و باطن و ظاهر را برای مدتی به حال خود رها کردن...



مشکل از نا امید شدن نیست؛ مشکل خود را به دست ناامیدی سپردن است. اصل، در زندگی این باید باشد که خود را به دست هیچ چیز نسپرد؛ نه امیدواری، نه ناامیدی، نه پیروزی، نه شکست. نه خوشی، نه غم... هر یک از اینها را باید تجربه کرد و به کار خود ادامه داد. کار بزرگ انسانی: نیاززدن خود و دیگر انسان‌ها و تلاش در جهت اعتلای خود و دیگر انسان‌ها...

«...»
... ..